

## سیمای اهل بیت علیهم‌السلام در دیوان فیاض لاهیجی

علی آذرگون\*

### چکیده

از ویژگی‌های ممتاز ادب فارسی، عشق و ارادت ویژه شاعران شیعی به پیشوایان و رهبران الهی و ائمه هدی علیهم‌السلام است و بدون تردید هیچ یک از امامان معصوم را نمی‌توان یاد کرد که شاعران و نویسندگان فارسی زبان در مدح و منقبت و فضایل آن‌ها شعر و سخنی بر زبان جاری نکرده باشند. از آن میان حکیم ملا عبدالرزاق بن علی لاهیجی، مشهور به فیاض لاهیجی از فیلسوفان و متکلمان برجسته شیعه و از مشهورترین علمای دوره صفویه است که اغراض مختلف شعری را در دیوان خود جای داده است و آنچه در این میان جلوه‌گری می‌نماید، قصایدی است که شاعر آنها را به اهل بیت علیهم‌السلام اختصاص داده است. مقاله حاضر با روش توصیفی، به بررسی قصاید شاعر در مدح و منقبت اهل بیت هم‌ام علیهم‌السلام پرداخته است. مهم‌ترین یافته‌های پژوهش، بیانگر این حقیقت است که فیاض لاهیجی از جمله شاعرانی است که شعر خود را به نام مبارک چهارده معصوم علیهم‌السلام زینت بخشیده و آن را از روی اعتقادات عمیق و ارادتی خالصانه انجام داده است.

### کلید واژه‌ها:

اهل بیت، قصاید، مدح، فیاض لاهیجی.

\* - گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد مرنند، دانشگاه آزاد اسلامی، مرنند - ایران.

تاریخ پذیرش: ۹۵/۰۴/۱۵

تاریخ وصول: ۹۵/۰۳/۰۶

## مقدمه

«ملاً عبدالرزاق بن علی لاهیجی قمی متخلص به فیاض (م. ۱۰۷۲ هـ.ق) از حکمیان و متکلمان مشهور در سده یازدهم هجری و از شاگردان معروف و مقرب ملاً صدرای شیرازی است که سمت دامادی آن حکیم را داشته است. وی گذشته از مراتب دانش و فضل و تألیف‌های معروفی که در حکمت و کلام داشته، در شمار شاعران مشهور عهد خود نیز بوده است. دیوانش را آذر بیگدلی «سه چهار هزار بیت» و نصر آبادی به اشتباه ده دوازده هزار بیت نوشته است. از این دیوان به قدر کافی نسخه‌هایی در دست است و من آن را در دو مجلد در کتابخانه ملی پاریس دیده‌ام که نخستین، مجموعه‌ای است از قصیده‌ها و ترکیب‌ها و ترجیع‌های طولانی او پیرامون ۲۷۵۰ بیت در ستایش خالق و منقبت پیامبر و امامان خاصه علی بن ابی طالب به تکرار و ترکیب‌بندی در مرثیه شهیدان کربلا به شیوه محتشم.

مجموعه دوم، غزل‌های اوست در حدود ۲۲۰۰ بیت که معمولاً لحن عرفانی اشراقی دارند و بعضی از آنها هم متضمن مدح امامان شیعه است. در شعر فیاض، اثر تحصیلات و اطلاعات فلسفی و کلامی او غالباً آشکار است. زبانش سالم و ساده است و پیچیدگی‌های کلام که از ویژگی‌های شعر در عصر اوست، کمتر در سخن او به نظر می‌آید. اندیشه‌های عرفانی و مذهبی در شعرش بسیار است. (صفا، ۱۳۸۹، ج ۴: ۴۳۵-۴۳۶).

«فیاض لاهیجی، جامع علوم عقلی و نقلی و تلمیذ مولانا صدرای شیرازی، گوهر مراد و شوارق، از جمله تصانیف محققانه اوست و بر فصوص الحکم شیخ ابن عربی به فارسی شرحی نوشته، در حکمت عقلی نادره زمان و وحید اوان خود بوده، چهار و پنج هزار بیت دیوانش به نظر رسید.» (هدایت، بی تا: ۲۲۸)

«وفات فیاض در سال هزار و پنجاه و یکم تا هفتاد و دویم هجرت در قم واقع گردید لکن با در نظر گرفتن تاریخ جلوس شاه عباس ثانی، و اینکه تألیف کتاب گوهر مراد به نام او شده، و اینکه سرمایه ایمان را بعد از آن تألیف داده، ضعف تاریخ اول در وفات او ظاهر شده، تاریخ دویم را تأیید می‌نماید.»

فیاض پسری داشت میرزا ابراهیم نام که مؤلف کتاب القواعد الحکمیّه و الکلامیّه بوده، چنانچه مشهور است، میرزا حسن لاهیجی نیز پسر دیگر فیاض، فاضلی بوده صالح که در سال یک هزار و یک صد و بیست و یکم هجرت در قم، وفات و قبرش در سمت شرقی قبرستان بزرگ قم، نزدیک به شیخان می باشد، و این نگارنده، در ماه رجب هزار و سیصد و پنجاه و دویم هجرت، موقع تشرّف بدان بلده طیبه، به سر قبر شریفش رفتم و اخیراً در موقع تسطیع طرق و سوارع، ملحق به جاده شده است.» (مدرّس تبریزی، ۱۳۶۹، ج ۳: ۳۶۱-۳۶۳)

#### پیشینه تحقیق

تاکنون در زمینه این موضوع و مقاله حاضر، کار و پژوهشی خاصی صورت نگرفته است؛ اما از جمله کارهای تحقیقی که در این زمینه در دیوان فیاض لاهیجی کار شده است، می توان به موارد زیر اشاره کرد:

- ۱ - سیمای علی (ع) در دیوان فیاض لاهیجی، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه سمنان، ۱۳۹۴، استاد راهنما: سید حسن طباطبایی، دانشجو: نساء ذوالفقاریان.
- ۲ - مقایسه مرثی شریف سیدرضی با مرثی فیاض لاهیجی در رثای سید الشهداء، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز، ۱۳۸۰، استاد راهنما: هوشنگ زندی، دانشجو: یوسف شاهین فر.
- ۳ - جلوه های ادبیات عاشورایی در اشعار محتشم کاشانی، حزین لاهیجی، وصال شیرازی، صائب تبریزی و فیاض لاهیجی، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد همدان، ۱۳۹۲، استاد راهنما: هادی خدیور، دانشجو: عیسی مخدومی.

#### عصر و سبک شاعر

«هنر و ادبیات فارسی در عصر صفوی تجلی و سیری خاص دارد. مذهب در هنر و ادبیات عمیقاً رسوخ یافت و شاید به این دلیل بود که هنر از بند و انحصار طبقه ای خاص رها شد و به میان عامه مردم راه پیدا کرد. قهوه خانه ها و تکایا، هر یک مجامع ادبی شدند که سلاطین

نیز در این مجامع، گاه حضور می‌یافتند و گویندگان را مورد حمایت و تشویق خود قرار می‌دادند. در کمتر عصری مانند دوره صفوی سراغ داریم که شاید نتوان گفت به خاطر شکوفایی، ولی به جهت رواج شعر، این همه عالم و حکیم به شاعری روی آورده باشند. از جمله علمای آن عصر که تعدادشان هم زیاد است و در زمره شعرای مقرر زمانند، ملاً عبدالرزاق لاهیجی ملقب به فیاض است. شعر فیاض که بیشتر در قالب غزل و قصیده است، رنگ محیط و عصر خود را دارد، و روشنگر طرز تفکر و بیان عقاید شاعر است، و چون از عنصر تصوّف و عرفان برخوردار است، دارای شور و جذبه‌ای خاص است. از برکت وجود این عنصر است که بیشتر سروده‌های وی، از حالت واقعه‌نگاری خشک و ابتذال مدّاحی که در مثنوی و قصیده به چشم می‌خورد، بیرون آمده، اشعار او را رنگین و نمکین داشته است، هر چند در بعضی قصاید فیاض نیز پیروی از این اصل کلی به چشم می‌خورد. خواننده این دیوان چنانچه اندک آشنایی با باب ولایت و اصطلاحات آن داشته باشد، متوجه می‌گردد که فیاض با بیان برخی معانی هیچ تردید ندارد که ایمان صورت نمی‌بندد مگر اینکه شخصی معتقد و وابسته باشد به امر ولایت قلباً و نیز بدون قبول آن هیچ یک از فرایض و سنن پذیرفته نخواهد شد.

گفت آنکه بگو امام تو کیست	مایه فخر و احترام تو کیست
آنکه بی او نماز نیست درست	عاشقان را نیاز نیست درست
	(فیاض لاهیجی، ۱۳۶۹: ۱۳)

\*\*\*

منم آن کس که بی محبت من	نه فرایض قبول شدن سنن
هر که را با منش شناخت نبود	از شناسایی خدای چه سود
هست دانستم خدا دانی	مهر من مایه مسلمانان
	(همان: ۱۳)

شعر فیاض بیشتر در قالب غزل و قصیده است، رنگ محیط و عصر خود را داشته و روشنگر طرز تفکر و بیان عقاید شاعر است و چون از عنصر تصوّف و عرفان برخوردار است دارای شور و جنبه‌ای خاص است.

سبک فیاض نیز سبک معمول و رایج زمان او، یعنی هندی است، لکن نه آن هندی مغلق با مضامین پیچیده که بیشتر معاصرین او سعی در سرودن چنان اشعاری داشتند و مورد مخالفت سخن سنجان دوره‌های متأخر قرار گرفتند، بلکه بسیار ملایم، با محتوایی پر از توصیف و تشبیه، و متأسفانه گاه کمی دور از فصاحت و بلاغت و آیین دستوری.» (فیاض لاهیجی، ۱۳۶۹: ۱۳)

### تألیفات فیاض لاهیجی

«۱- حاشیه جواهر و اعراض شرح تجرید فوشچی ۲- حاشیه بر حاشیه خضری بر الهیات شرح تجرید ۳- حاشیه بر حاشیه ملا عبدالله یزدی بر تهذیب المنطق ۴- حاشیه شرح اشارات خواجه ۵- حدوث العالم ۶- دیوان شعر به پارسی که به نوشته مجمع الفصحا قریب به چهار و پنج هزار بیت، و به نوشته روضات بزرگتر از دیوان فیض و یا به نوشته نصرآبادی قریب به دوازده هزار بیت است. ۷- سرمایه ایمان فی اثبات اصول العقائد به طریق البرهان که ملخص گوهر مراد مذکور ذیل بوده و در تهران چاپ شده است. ۸- شرح تجرید خواجه که ذیلاً به نام شوارق و مشارق مذکور است. ۹- شرح الهیاكل در حکمت اشراق ۱۰- شوارق الالهام فی شرح تجرید الکلام که شرحی است متقن بر تجرید خواجه نصیرالدین طوسی از اوّل آن تا مسأله کلام الهی، و بارها چاپ شده و دارای تحقیقات عمیق می باشد. ۱۱- الکلمات الطّیبه در محاکمه ما بین میرداماد و ملاصدرا، در اصالت ماهیت یا وجود/ ۱۲- گوهر مراد که برای شاه عباس ثانی (۱۰۵۲-۱۰۷۸ هـ) تألیف و بارها در ایران چاپ و در اوّل آن و سرمایه ایمان، مقداری از ضروریات علم منطق را مذکور داشته است. ۱۳- مشارق الالهام فی شرح تجرید الکلام که به فرموده روضات الجنّات غیر از شوارق مذکور فوق، و تا مبحث امور عامّه است.» (مدرّس تبریزی، ۱۳۶۹: ۳۶۱-۳۶۳)

### سیره و اوصاف اهل بیت علیهم السّلام

«اهل بیت عصمت و طهارت، مظهر تامّ اسماء الهی و آیینۀ تمام نمای صفات جمال و جلال حقّ اند. آنان پیشوایان بشر به سوی فضایل و ارزش‌های متعالی انسانی و الهی اند. این خاندان، برگزیدگانی اند که از هر گونه ناپاکی به دورند و چشمه‌های جوشان معارف الهی و ابرهای رحمت و محبت الهی بر مؤمنین اند. این بزرگواران، پناه بی‌پناهان، امید بخش گرفتاران و

پرچمدار جبهه توحیداند. در سراسر زندگی پر افتخارشان تنها به سوی خدا خوانده‌اند و از هر چه غیر خداست، برکنارند. آشنایی با ابعاد گوناگون شخصیت و زندگی این راهبران الهی، بهترین توشه سالکان راه حقیقت و پاکبازان طریق سعادت و کمال است و هر کس در جستجوی راستی و درستی، اخلاص و ایثار و هدایت و حق است، چاره‌ای جز زانو زدن در پیشگاه این فرزندگان پاک و خزانه داران علم الهی ندارند. زندگی پیامبر و ائمه معصومین علیهم السلام، داستان انسان‌های پاک نهاد و خود باخته و به کمال رسیده‌ای است که برای هر پوینده‌ای، راهی هموار و مستقیم به سوی حقیقت را نشان می‌دهد. زندگی پر فراز و نشیب و سراسر صلابت و جاودانگی آن «مظهرین لامر الله» می‌تواند همه ابعاد و شؤون مختلف حیات انسان کامل را تأمین نماید. از طرفی حیات طیبه اخروی هر کسی ساخته و پرداخته دنیای مادی و ظهور و بروز افکار و اقوال و کردار اوست و حاصل آخرت، برداشتی است که مزرعه آن را باید در اقدامات دنیوی خویش جستجو نماید و برای تأمین سعادت جاودانه خویش باید به اسوه‌های ابدیت اقتدا نموده و چگونه زیستن و چگونگی مواجهه با مظاهر حق و باطل را از گفتار و کردار، حرکت و سکون، فریاد و سکوت و شیوه زندگی پیشوایان دین بیاموزیم. اینجاست که ضرورت آشنایی همه جانبه با ابعاد گوناگون حیات و شخصیت ائمه هدی، اعم از شؤون فردی و اجتماعی در برخورد با مردم و ابراز محبت و نفرت در مواجهه با دوست و دشمن و چگونگی برخورد با دنیا و مظاهر آن آشکار می‌گردد.» (استعلامی، ۱۳۷۸: ۱۳-۱۴)

مدح اهل بیت پیامبر (ص)، همواره زینت بخش دیوان شاعران و کتب فرزندگان بوده است، به طوری که کمتر دیوان شعری را می‌توان یافت که قطعه شعری در مدح پیامبر اکرم (ص) و اهل بیت مکرم ایشان، در آن ثبت نشده باشد. فیاض لاهیجی از جمله شاعرانی است که در مدح پیامبر اسلام و معراج وی، سه قصیده، در مدح حضرت علی (ع) شش قصیده، در مدح حضرت زهرا سلام الله علیها یک قصیده، و در مدح سایر امامان علیهم السلام، هر کدام یک قصیده و در مدح حضرت مهدی (عج) دو قصیده سروده است.

پیامبر اکرم (ص)

«در ادبیات پربار و غنی فارسی، از هر موضوعی که امکان طرحش بوده، سخن به میان آمده است که از جمله آنها، اشعار دینی و مذهبی و ستایش اولیای دین است. شاعران مسلمان ما از ارادتمندان به رسول خدا(ص) و خاندان پاک او هستند و مدایح و مناقب آنها را زیب و زینت دفترهای شعر خود ساخته‌اند و از آن، دستمایه و فتوح این جهان و شفاعت آن جهان را آرزو کرده‌اند. در این میان، توجه به شخصیت والای پیامبر اسلام(ص) به عنوان زبده و خلاصه موجودات و اشرف مخلوقات و سرور کاینات که خداوند، عالم و آدم را طبق حدیث قدسی «لَوْلَاكَ لِمَا خَلَقْتُ الْأَفْلَاكَ» به خاطر او آفریده، جایگاهی فوق العاده و بس ویژه دارد و کمتر شاعری را سراغ داریم که در اشعارش ستایشی از رسول خدا (ص) نباشد. باید توجه داشت که این شاعران، به اندازه فهم و معرفت و توان خود، فقط بخش کوچکی از فضایل و مناقب و عظمت‌های رسول اکرم(ص) را توانستند توصیف و تصویر کنند و گرنه فضایل و عظمت رسول خدا (ص) و خاندان پاکش چنانچه هست، نه برای کسی قابل درک است و نه قابل توصیف و بیان؛ خود شاعران نیز به این امر معترفند.» (عسکری، ۱۳۸۵: ۱۳)

فیاض لاهیجی در سه قصیده از قصاید دیوانش، به مواردی از اوصاف و ویژگی‌های

پیامبر اکرم(ص) به شرح زیر پرداخته است:

۱ - شه سریر نبوت، پیشوای جن و بشر:

شه سریر نبوت، محمد عربی

سپهر عالم جان، پیشوای جن و بشر

(ق ۳، ب ۲۵)

۲ - خدایگان جهان، شاه خطه ایمان:

خدایگان جهان، شاه خطه ایمان

که خاک درگهش افلاک راست کحل بصر

(ق ۳، ب ۲۶)

۳ - شهریار کشور دین:

به لطف عام تو ای شهریار کشور دین

به رحمت تو که عام است همچو پرتو خور

(ق ۳، ب ۱۱۲)

- ۴ - فقر، مایه فخر و مباهان آن حضرت بوده است:  
 نعمت الفقر فخری می خورم زین خشک و تر  
 از نوال پادشاه ملک خشکی و تری  
 (ق، ۴، ب ۵۰)
- ۵ - شهریار ملک امکان:  
 شهریار ملک امکان کش به دار الضرب قدس  
 نقد هستی کرده بهر سکه حکمش زری  
 (ق، ۴، ب ۵۱)
- ۶ - احمد مرسل:  
 احمد مرسل که در شهراه دین از بهر دل  
 کرده از هر نقش پا، روشن چراغ رهبری  
 (ق، ۴، ب ۵۳)
- ۷ - امانت دار بودن آن حضرت:  
 از امانتداری نور وجودش بر خلیل  
 شد پذیرای مزاج کل طباع آذری  
 (ق، ۴، ب ۶۰)
- ۸ - شق القمر بودن آن حضرت:  
 کار یک انگشت اعجازت بود شق القمر  
 شمه‌ای از کار معراجت بود گردون دری  
 (ق، ۴، ب ۸۵)
- ۹ - خیر المرسلین، ختم الرسل بودن آن حضرت:  
 یا رسول الله خیر المرسلین ختم الرسل  
 ای که در وصف تو حیران می شود عقل جری  
 (ق، ۴، ب ۹۲)

## امام علی (ع)

«مقام و منزلت و فضیلت و علم علی علیه السلام، فراتر از آن است که افراد عادی در باره او چیزی بگویند و بنویسند تا حق مطلب ادا شود. فقط به ذکر این نکته باید پرداخت که شخصیت والای آن حضرت و وجود لایتناهی او چون دریای بی کرانی است که نمی توان به اعماق آن دست یافت. پس بهتر است در کنار ساحل ایستاد و به آن خیره شد و امواج خروشان و بی نهایتش را نظاره نمود و عظمتش را به تماشا نشست.» (ثابتی، ۱۳۷۷: ۱۰۹)



فیاض لاهیجی در شش قصیده از قصاید دیوانش، به مدح و منقبت امام علی (ع) پرداخته است و به مواردی از اوصاف و ویژگی‌های وی به شرح زیر اشاره کرده است:

۱- شاه مردان:

گر چه ناکام توام شادم از ین کز دو جهان  
به ولای شه مردان دل من کامرواست  
(ق ۶، ب ۴۰)

۲- شاه اقلیم ولایت:

شه اقلیم ولایت علی عالیقدر  
که بر آیات جلالش دو جهان تنگ فضاست  
(ق ۶، ب ۴۱)

۳- شاه بلند رتبه:

بلند رتبه شهی کز علو قدر نماید  
فلک گدایی رفعت ز آستانش و لرزد  
(ق ۷، ب ۲۰)

۴- شاه بحر و بر:

شه بحر و بر علی ولی که کف کفایت جود او  
شکم گرسنه از را ز عنای فاقه امان دهد  
(ق ۳، ب ۲۱)

۵- شاه قضا حکم:

آن شاه قضا حکم که تمثال نظیرش  
صورت نمودست به مرآت قدر بر  
(ق ۹، ب ۳۱)

۶- سلطان هدی، شیرخدا:

سلطان هدی، شیرخدا، شاه ولایت  
کز انفس و آفاق به فضل است و هنر بر  
(ق ۹، ب ۳۴)

۷- مداح پیامبر، ممدوح خداوند:

مداح پیامبر چه در احوال و چه اقوال  
ممدوح خداوند به آیات و سور بر  
(ق ۹، ب ۳۵)

۸- بهترین خلایق:

آن خیر خلایق که چو او بعد نبی نیست  
یک مرد خدا در ملک و جن و بشر بر  
(ق ۹، ب ۳۶)

## حضرت فاطمه زهرا (س)

«فاطمه (س) زهره زهرایی است که از نور عظمت الهی خلق شده، و آن چنان آسمان و زمین به نور وجودش روشنایی یافته که ملائکه به سجده افتادند، و در باره عظمت آن نور، از حضرت حق پرسیدند. فاطمه (س) حوراء انسیه‌ای است که خداوند پیش از خلقت آدم ابوالبشر (ع) وی را از نور خویش آفرید، و در زیر ساق عرش خود جای داد، و پیوسته به تسبیح و تقدیس و تهلیل و تحمید حضرت حق اشتغال داشت. فاطمه (س) بزرگ بانویی است که چون خداوند، نور او و پدر و شوهرش و دو فرزندش حسن و حسین (ع) را آفرید، ولایتشان را بر ملائکه و سایر مخلوقات عرضه داشت، قبول کنندگانش از مقربین و منکرینش از کافرین به حساب آمدند.» (سعادت پور، ۱۳۸۸: ۱۰)

فیاض لاهیجی در قصیده‌ای از قصاید خود به مواردی از ویژگی‌ها و اوصاف حضرت فاطمه زهرا (س) به شرح زیر پرداخته است:

## ۱ - گوهر عصمت:

درو گرفته چو دُر در دل صدف مأوا  
(ق ۱۲، ب ۴۲)

خجسته تربت پاکی که گوهر عصمت

## ۲ - نهال گلشن عصمت، گل حدیقه دین:

سرور سینه بی کینه رسول خدا  
(ق ۱۲، ب ۴۳)

نهال گلشن عصمت، گل حدیقه دین

## ۳ - صدف گرانبهای گوهر حسین و حسن:

قیاس منتج قدر ائمه والا  
(ق ۱۲، ب ۴۴)

گرانبها صدف گوهر حسین و حسن

## ۴ - کنیزی حرم آن حضرت، آرزوی بانوی مصر بوده است:

گدایی درش امید پادشاه سبا  
(ق ۱۲، ب ۵۱)

کنیزی حرمش آرزوی بانوی مصر

## ۵ - بنت الرسول و البضعه:

کرا جز اوست لقب البتول و العذرا  
(ق ۱۲، ب ۵۲)

که بود جز وی بیت الرسول و البضعه

۶- سپهر در مقابل جاه و مقام آن حضرت، کمترین سراپرده است:  
 به خود سپهر چه مقدار ازین هوس بالید      که گردد از پی جاهش کمینه پرده سرا  
 (ق ۱۲، ب ۵۵)

### امام حسن (ع)

«پیشوای دوم، نه تنها از نظر علم، تقوی، زهد و عبادت، مقامی برگزیده و ممتاز داشت، بلکه از لحاظ بذل و بخشش و دستگیری از بیچارگان و درماندگان نیز در عصر خود، زبانزد خاص و عام بود. وجود گرمی آن حضرت، آرام بخش دل‌های دردمند، پناهگاه مستمندان و تهیدستان، و نقطه امید درماندگان بود. هیچ فقیری از در خانه آن حضرت دست خالی بر نمی‌گشت. هیچ آزرده دلی شرح پریشانی رانزد آن بزرگوار بازگو نمی‌کرد، جز آنکه مرهمی بر دل آزرده او نهاده می‌شد. گاه پیش از آنکه مستمندی اظهار احتیاج کند و عرق شرم بریزد، احتیاج او را برطرف می‌ساخت و اجازه نمی‌داد رنج و مذلت سؤال را بر خود هموار سازد! «سیوطی» در تاریخ خود می‌نویسد: «حسن بن علی» دارای امتیازات اخلاقی و فضایل انسانی فراوان بود، او شخصیتی بزرگوار، بردبار، باوقار، متین، سخی و بخشنده، و مورد ستایش مردم بود.» (پیشوایی، ۱۳۸۴: ۸۸)

فیاض لاهیجی در قصیده‌ای از قصاید خود، به مواردی از ویژگی‌ها و اوصاف امام حسن (ع) به شرح زیر پرداخته است:

۱- شاه زمن:

تو تیره کردی روز مرا ولی شادم      که روشن است ضمیرم به مهر شاه زمن  
 (ق ۱۳، ب ۲۲)

۲- نور چشم مرتضوی:

نیرۀ نبوی نور چشم مرتضوی      امام جمله آفاق شاهزاده حسن  
 (ق ۱۳، ب ۲۴)

۳- سپهر، در درگاه آن حضرت، کیش و آیینی جز گدایی ندارد:

سپهر کیست به درگاه او گدا کیشی      کف خضیب برآورده شمع از روزن  
 (ق ۱۳، ب ۲۹)

۴ - محلّ فیض در آن حضرت، همانند عرصه عرفات است:

محلّ فیض درش همچو عرصه عرفات      مکان نور جنابش چو وادی ایمن  
(ق ۱۳، ب ۳۰)

۵ - لؤلؤی دیار عدن، حتی به کوچک ترین و ریزترین جلال و شوکت آن حضرت، خیلی  
رشک و حسد می برد:

به سنگریزه شهر جلال و شوکت تو      هزار رشک برد لؤلؤی دیار عدن  
(ق ۱۳، ب ۴۱)

۶ - شهید زهر:

شهید زهر تو گشتی ولی ز یکرنگی      حیات هر دو جهان گشته زهر مار به من  
(ق ۱۳، ب ۵۲)

#### امام حسین (ع)

حسین (ع) زینت آسمانها و زمین و چراغ هدایت و کشتی نجات و امام و پیشوای  
بی لغزش است. «امام حسین (ع) از نظر نسب و خاندان جز برادرش امام حسن (ع) و خواهرانش  
زینب و ام کلثوم نظیری ندارد و در فضایل و کمالات انسانی و سجایای اخلاقی یکی از پنج تن  
آل عباس است که خداوند بر وجودش بر ملایکه و دیگر مخلوقات مباحثات می کند و از جمله  
ایثارگرانی است که تنها نان مختصر خود را به مسکین و یتیم و اسیر کافر داد و در پاداش، آیاتی  
از سوره «هل اتی = انسان» را گرفت. حسین جزو چند نفری است که خداوند مودت او را بر تمام  
مسلمانان واجب ساخته است و در «آیه تطهیر» به پاکی درون و عصمت عملی وی شهادت داده و  
در «آیه مباحله» او را مورد ستایش قرار داده است.» (بابازاده، ۱۳۸۰: ۵۷)

فیاض لاهیجی در قصیده‌ای، در ویژگی‌ها و اوصاف زیر، به توصیف و مدح امام

حسین (ع) پرداخته است:

- ۱ - امام مفترض الطّاعه:  
 امام مفترض الطّاعه شاهزاده حسین  
 به ناز داشته لطف ایزد بیچون  
 (ق ۱۴، ب ۴۵)
- ۲ - شهنشاہ عرصه مسکون:  
 اگر نباشدت آسان خلاصی از هجران  
 مدد طلب ز شهنشاہ عرصه مسکون  
 (ق ۱۴، ب ۴۱)
- ۳ - اسکندر، از حارسان شکوه وی و افلاطون، از راویان علوم آن حضرت است:  
 ز حارسان شکوه وی است اسکندر  
 ز راویان علوم وی است افلاطون  
 (ق ۱۴، ب ۶۹)
- ۴ - رفیع مکان بودن آن حضرت:  
 تو آن رفیع مکانی که اوج عرش عظیم  
 فضای عالم قدر تو را بود هامون  
 (ق ۱۴، ب ۷۷)
- ۵ - شمار فضل و بخشش وی از لایتناهی هم بیشتر است:  
 به لاتنهای اعداد نیز نتوان کرد  
 شمار فضلش کز لاتنهای است فزون  
 (ق ۱۴، ب ۷۲)

#### امام سجّاد(ع)

«امام سجّاد، زین العابدین(ع)، پیشوای متّقین، در عصری که سفّاکان و دین گریزان، محراب را با خون اولیای خدا گلگون می ساختند و حقّگویان برخاسته از محراب را به جرم سرفروودنی آوردن در برابر غیر خدا، مورد سخت ترین آزارها و نارواترین دشنامها قرار می دادند و مأذنه های هدایت و مناره های دین را ناجوانمرادنه به خون تکبیرگویان عزّت و دینداری می آغشتند، آری در چنین عصری از محراب، مأذنه ای رفیع؛ رفیع تر از همه برجها ساخته بود تا نجوهای پنهانش را رساتر از هر فریاد به گوش غفلت زدگان و راه گم کردگان زمانش و نیز فرزندان آینده تاریخ اسلام برساند.» (ترابی، ۱۳۷۳ : ۶۱)

فیاض لاهیجی در قصیده‌ای، در موارد زیر به مدح و ستایش امام سجّاد(ع) پرداخته است:

۱ - پادشاه عرصه دین:

آن پادشاه عرصه دین کز علو قدر  
خورشید را بر اوج جلالش گذار نیست  
(ق ۱۵، ب ۴۱)

۲ - شهزاده زمین و زمان:

شهزاده زمین و زمان زین عابدین  
شاهی که در زمانه چو او شهریار نیست  
(ق ۱۵، ب ۴۲)

۳ - دین، یادگار آن حضرت، و وی یادگار دین است:

دین یادگار اوست چو او یادگار دین  
چون اهل بیت را به جز او یادگار نیست  
(ق ۱۵، ب ۴۳)

۴ - آن حضرت، نتیجه ایجاد عالم است:

حاصل که او نتیجه ایجاد عالم است  
در دهر همچو ما و تو او حشو کار نیست  
(ق ۱۵، ب ۸۳)

۵ - خاک راه آن حضرت، جلا و روشنی دهنده چشم شاعر است:

خاک ره تو دیده فیاض را جلا  
تا از فلک بر آینه اش جز غبار نیست  
(ق ۱۵، ب ۱۰۲)

#### امام محمدباقر (ع)

«پیشوای پنجم طیّ مدّت امامت خود، در همان شرایط نامساعد، به نشر و اشاعه حقایق و معارف الهی پرداخت و مشکلات علمی را تشریح نمود و جنبش علمی دامنه داری به وجود آورد که مقدمات تأسیس یک «دانشگاه بزرگ اسلامی» را که در دوران امامت فرزند گرامیش «امام صادق» علیه السلام به اوج عظمت رسید، پی ریزی کرد. امام پنجم در علم، زهد، عظمت و فضیلت، سرآمد همه بزرگان بنی هاشم بود و مقام بزرگ علمی و اخلاقی او مورد تصدیق

دوست و دشمن بود. به قدری روایات و احادیث، در زمینه مسایل و احکام اسلامی، تفسیر، تاریخ اسلام و انواع علوم از آن حضرت به یادگار مانده است که تا آن روز از هیچ یک از فرزندان امام حسن و امام حسین علیه‌السلام به جا نمانده بود.» (پیشوایی، ۱۳۸۴: ۳۰۶)

فیاض لاهیجی در قصیده‌ای از قصایدش، به مدح و توصیف امام محمدباقر(ع) پرداخته است و مواردی از ویژگی‌های ایشان را به قرار زیر مطرح کرده است:

۱- امام مشرق و مغرب:

امام مشرق و مغرب که آفتاب بلند  
بود به پرتو مهرش چو اَرّه در جولان  
(ق ۱۶، ب ۴۲)

۲- باقر العلوم:

محمدبن علی باقرالعلوم که هست  
بلند رایت علمش ستون این ایوان  
(ق ۱۶، ب ۴۳)

۳- عطای آن حضرت، ذخیره کان است:

عطای او نه همین لعل و زر بود به مثل  
که این دفینه خاک است و آن ذخیره کان  
(ق ۱۶، ب ۶۵)

۴- همه جهانیان اجری خور نصیب آن حضرت هستند:

جهانیان همه اجری خور نصیب تواند  
به خار بن پی گلبن دهند آب روان  
(ق ۱۶، ب ۷۵)

۵- جابر انصاری از زبان رسول اکرم(ص)، بعد از قرن‌ها به آن حضرت سلام داده است:

تویی که جابر انصاری از زبان رسول  
سلام داده تو را بعد قرن‌ها ز زمان  
(ق ۱۶، ب ۸۱)

۶- آن حضرت، لایق و سزاوار خلافت و امامت است:

تو لایقی به خلافت ز روی عقل و قیاس  
تویی سزای امامت به حجت و برهان  
(ق ۱۶، ب ۸۰)

۷- به امر و فرمان آن حضرت، مو بر تن عدو و دشمن، ازدها می‌شود:

به دست موسی اگر چوب ازدها گردید  
شود به امر تو مو بر تن عدو ثعبان  
(ق ۱۶، ب ۸۴)

## امام جعفر صادق (ع)

«در باب عظمت علمی امام صادق علیه السلام شواهد فراوانی وجود دارد و این معنا مورد قبول دانشمندان تشیع و تسنن است. فقها و دانشمندان بزرگ در برابر عظمت علمی آن حضرت سر تعظیم فرود می آوردند و برتری علمی او را می ستودند. «ابوحنیفه» پیشوای فرقه حنفی، می گفت: من دانشمندتر از جعفر بن محمد ندیده‌ام. در میان امامان، عصر امام صادق علیه السلام منحصر به فرد بوده و شرایط اجتماعی و فرهنگی عصر آن حضرت در زمان هیچ یک از امامان وجود نداشته است؛ زیرا آن دوره از نظر سیاسی، دوره ضعف و تزلزل حکومت بنی امیه و فزونی قدرت بنی عباسی بود و این دو گروه مدتی در حال کشمکش و مبارزه با یکدیگر بودند.» (پیشوایی، ۱۳۸۴: ۳۵۰)

فیاض لاهیجی در قصیده‌ای در موارد زیر به توصیف و مدح ویژگی‌ها و اوصاف امام جعفر صادق پرداخته است:

۱ - سلطان شرع و ملت و دین:

بلند درگه سلطان شرع و ملت و دین      که صیت سلطنتش هست تا به نفخه صور  
(ق ۱۷، ب ۶۱)

۲ - شاهی که دایره عدل او دو عالم را در آغوش کشیده است:

شهی که دایره عدل او دو عالم را      کشیده است در آغوش چون بلد را سور  
(ق ۱۷، ب ۶۳)

۳ - آن حضرت، داروی هر درد است:

چنین که داروی هر درد ازوست حیرانم      که آفتاب چرا مانده این چنین رنجور  
(ق ۱۷، ب ۶۷)

۴ - خلاصه عترت، نقاوه نسل:

تویی خلاصه عترت تویی نقاوه نسل      که هست روح رسول از تو تا ابد مسرور  
(ق ۱۷، ب ۱۱۱)



### امام موسی کاظم (ع)

«موسی بن جعفر نه تنها از نظر علمی تمام دانشمندان و رجال علمی آن روز را تحت الشعاع قرار داده بود، بلکه از نظر فضایل اخلاقی و صفات برجسته انسانی نیز زبانزد خاص و عام بود؛ به طوری که تمام دانشمندانی که بازندگی پر افتخار آن حضرت آشنایی دارند، در برابر عظمت شخصیت اخلاقی وی سر تعظیم فرود آورده‌اند. «ابن حجر هیثمی»، دانشمند و محدث مشهور جهان تسنن، می‌نویسد: موسی کاظم وارث علوم و دانش‌های پدر و دارای فضل و کمال بود. وی در پرتو عفو و گذشت و بردباری فوق العاده‌ای که (در رفتار با مردم نادان) از خود نشان داد، کاظم لقب یافت، و در زمان او هیچ کس در معارف الهی و دانش و بخشش به پایه او نمی‌رسید.» (پیشوایی، ۱۳۸۴: ۴۱۶)

فیاض لاهیجی در قصیده‌ای، به مدح و ستایش امام موسی کاظم (ع) پرداخته و در موارد زیر به اوصاف و ویژگی‌های وی اشاره کرده است:

#### ۱- امام الناس:

دمی که بود ظهورش نهفته در کتمان  
(ق ۱۸، ب ۳۲)

به فصّ خاتم وی نقش بود امام الناس

#### ۲- غایت ایجاد عالم بودن آن حضرت:

هنوز بودی عالم به صلب خاک نهان  
(ق ۱۸، ب ۳۳)

اگر نه غایت ایجاد عالمستی او

#### ۳- بخشنده بودن آن حضرت:

ز دست بخشش دست تو خاک بر سر کان  
(ق ۱۸، ب ۳۸)

به پیش ابر کف توست باد در کف ابر

#### ۴- نافذ و جاری بودن امر و نهی وی:

برات نهی تو جاری بود بر آب روان  
(ق ۱۸، ب ۳۹)

مثال امر تو نافذ شود به خاک ثقیل

#### ۵- بی‌اهمیت بودن هفت گنبد گردون و هشت روضه رضوان در مقایسه با آن حضرت:

به جنب او چه کند هشت روضه رضوان  
(ق ۱۸، ب ۴۷)

به پیش او چه بود هفت گنبد گردون

۶- اعظم الارکان بودن مهر آن حضرت برای دین:

خلل پذیر شود پنج رکن دین یک بار  
اگر نه مهر تو دین راست اعظم الارکان  
(ق ۱۸، ب ۴۹)

۷- هراسان بودن دشمن و خصم از وی:

عدو هراسد از تو چنانکه سایه ز نور  
حذر نماید خصم از تو چون ز نار دخان  
(ق ۱۸، ب ۵۵)

### امام رضا (ع)

«امام علی بن موسی الرضا علیه السلام، نماینده تمام فضایل بود و همه فضایل عالی در او جمع شده بود. خداوند تمام صفات برجسته را مانند پدر بزرگوارش به او بخشیده بود و او را شخصی برجسته در جامعه جدش رسول خدا (ص) ساخت؛ بنابراین این امام، سرگشتگان و گمراهان را به راه رسالت هدایت کرده و افکار آنان را روشن می نمود. خصایص شریف امام رضا علیه السلام قسمتی از صفات جدش، بزرگترین پیامبر خدا بود که از میان پیامبران ممتاز بود و توانست افراد بشر را پرورش داده و آنها را از خصایص زشتی که قبل از اسلام داشتند، نجات دهد. امام رضا علیه السلام صفات عالی و والا را از جدش به ارث برده بود. ابراهیم بن عباس گفته است: من هرگز ندیده و نشنیده‌ام که کسی شایسته‌تر از امام ابوالحسن الرضا باشد.» (شریف القرشی، ۱۳۸۲: ۵۵) فیاض لاهیجی در قصیده‌ای، ویژگی‌ها و اوصاف امام رضا(ع) را در موارد زیر مطرح کرده است:

۱- خسرو زمین و زمان:

که هست بارگه خسرو زمین و زمان  
که هست پرده سرای شه صغار و کبار  
(ق ۱۹، ب ۱۰۹)

۲- امام جن و بشر:

خدایگان دو عالم امام جن و بشر  
رضی ارض و سما و رضای لیل و نهار  
(ق ۱۹، ب ۱۱۰)

۳- امام ضامن و ثامن:

امام ضامن و ثامن علی بن موسی  
که هست خاک درش کحل دیده ابرار  
(ق ۱۹، ب ۱۱۱)

۴- همنام و همتای بضعه پیغمبر:

سمی بضعه پیغمبر آنکه دست قضا  
نهاده چون تو گلش بهر تربیت به کنار  
(ق ۱۹، ب ۱۲۹)

امام محمدتقی (ع)

«سخنان و مناظرات امام محمدتقی (ع) و حل مشکلات بزرگ علمی و فقهی توسط آن حضرت، تحسین و اعجاب دانشمندان و پژوهشگران اسلامی اعم از شیعه و سنی را برانگیخته و آنان را به تعظیم علمی امام واداشته است و هر کدام او را به نحوی ستوده‌اند. به عنوان نمونه، «سبط ابن جوزی» می‌گوید: «او در علم و تقوی و زهد و بخشش بر روش پدرش بود.» (پیشوایی، ۱۳۸۴: ۵۵۵)

فیاض لاهیجی در قصیده‌ای در مدح و ستایش امام محمدتقی (ع)، به ویژگی‌ها و اوصاف زیر پرداخته است:

۱- شاه زمین و زمان:

شاه زمین و زمان سرو بهار و چمن  
رنگ گل و یاسمن بوی شمال و صبا  
(ق ۲۰، ب ۳۹)

۲- نورچشم رسول اکرم (ص) و چشم و چراغ حضرت فاطمه سلام الله علیها:

قره عین رسول چشم و چراغ بتول  
فخر نفوس و عقول نقد علی رضا  
(ق ۲۰، ب ۴۰)

۳- شرف ابوتراب و خلف ابوالحسن:

هم شرف بوتراب هم خلف ابوالحسن  
هم لقب او را تقی هم صفت او را تقا  
(ق ۲۰، ب ۴۱)

۴ - هفت فلک در مقابل دفتر علم آن حضرت، در حکم یک ورق و هشت چمن در مقابل گلشن خلق وی در حکم یک گیاه محسوب می‌شود:  
دفتر علم تو را هفت فلک یک ورق      گلشن خلق تو را هشت چمن یک گیا  
(ق ۱۹، ب ۶۷)

۵ - روح الامین بوسنده کف پای آن حضرت است:  
بوسه روح الامین وقف کف پای توست      در خور هر دست نیست نازکی این حنا  
(ق ۲۰، ب ۷۳)

#### امام علی النقی (ع)

«امام علی النقی دهمین اختر آسمان امامت و دوازدهمین گوهر دریای عصمت، خورشید علم و کمال در عصر تیره طغوت‌های عباسی است. او که به حق وارث پدر و اجداد پاکش بود، در عصر خود به خوبی توانست خط فکری و فرهنگ تشیع راستین علوی را آشکار سازد و اسلام راستین را در فرهنگ تشیع نشان دهد.» (محمّدی اشتهاردی، ۱۳۷۴: ۷)  
فیاض لاهیجی در قصیده‌ای از قصاید خود به مواردی از ویژگی‌ها و اوصاف امام علی النقی (ع) به شرح زیر پرداخته است:

۱ - هادی دین و دنیا، امام خلائق و شهنشاه عسکر:  
علی نقی هادی دین و دنیا      امام خلائق شهنشاه عسکر  
(ق ۲۱، ب ۵۰)

۲ - خاک درگاه آن حضرت، بهتر از خورشید نورانی است:  
چه نسبت به افلاک درگاه او را      که خاک درش به ز خورشید انور  
(ق ۲۱، ب ۵۲)

۳ - اجازه ورود نداشتن فلک به درگاه آن حضرت:  
به درگاه او بار نبود فلک را      اگر تا قیامت زند حلقه بر در  
(ق ۲۱، ب ۵۵)

۴ - پادشاه معظّم و مظفّر:

زهی پادشاه معظّم مظفّر      به فطرت مقدّس به طینت مطهّر  
(ق ۲۱، ب ۷۳)

۵ - افلاک، گردان به گرد آن حضرت و اختر پویان راه وی است:

به گرد تو گردند افلاک دایم      به راه تو پویند پیوسته اختر  
(ق ۲۱، ب ۷۹)

۶ - درگاه آن حضرت همانند خانه آفتاب است:

درت خانه آفتاب است گویی      که در وی شب و روز باشد برابر  
(ق ۲۱، ب ۸۲)

### امام حسن عسکری (ع)

«امام حسن عسکری، با وجود همه فشارها و کنترل‌ها و مراقبت‌های بی وقفه حکومت عباسی، یک سلسله فعالیت‌های سیاسی و اجتماعی در جهت حفظ اسلام و مبارزه با افکار ضدّ اسلامی انجام می‌داد که می‌توان آن‌ها را بدین گونه خلاصه کرد:

۱ - کوشش‌های علمی در دفاع از آیین اسلام و ردّ اشکال‌ها و شبهات مخالفان و نیز تبیین اندیشه صحیح اسلامی.

۲ - ایجاد شبکه ارتباطی با شیعیان مناطق مختلف از طریق تعیین نمایندگان و اعزام پیک‌ها و ارسال پیام‌ها.

۳ - فعالیت‌های سرّی سیاسی به رغم کنترل‌ها و مراقبت‌های حکومت عباسی.

۴ - حمایت و پشتیبانی مالی از شیعیان، به ویژه یاران خاصّ خود.

۵ - تقویت و توجیه سیاسی رجال و عناصر مهمّ شیعه در برابر مشکلات.

۶ - استفاده گسترده از آگاهی غیبی برای جلب منکران امامت و دلگرمی شیعیان.

۷ - آماده سازی شیعیان برای دوران غیبت فرزند خود، امام دوازدهم. (پیشواپی، ۱۳۸۴:

۶۲۶-۶۲۷)

فیاض لاهیجی در قصیده‌ای از دیوان شعرش، امام حسن عسکری را با ویژگی‌ها و اوصاف زیر، مدح و ستایش کرده است:

۱ - پادشاه صورت و معنی:

درگه پادشه صورت و معنی که بود      اعلیٰ چرخ برین در بر قدرش اسفل

(ق ۲۲، ب ۴۱)

۲ - فرماندهی دنیا و دین داشتن آن حضرت:

پادشاهی که به فرماندهی دینی و دین      حکم او تا به ابد می‌رود از روز ازل

(ق ۲۲، ب ۴۲)

۳ - حشمت و بزرگی آن حضرت، باعث تنگ شدن دو جهان شده است:

بو محمد حسن بن علی العسکری آنک      دو جهان را بود از حشمت او تنگ محل

(ق ۲۲، ب ۴۳)

۴ - هم رتبه بودن فلک با آستان آن حضرت:

ای فلک رتبه جنابی که ندیدست چو تو      عقل، این پیر کهنسال ولایات ازل

(ق ۲۲، ب ۷۴)

۵ - رتبه عقل اول، ثانی رتبه آن حضرت است:

بی تکلف نتوان گفت که باشد به قیاس      ثانی رتبه تو رتبه عقل اول

(ق ۲۲، ب ۷۵)

#### امام مهدی (عج)

«اخبار و روایات فراوانی از پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و ائمه معصومین علیهم السلام در باره تولد، غیبت، ظهور و قیام جهانی و سایر ویژگی‌های حضرت مهدی (عج) نقل شده است و در واقع سال‌ها پیش از تولد آن حضرت، خصوصیات و ویژگی‌های او از قبیل اینکه او از خاندان پیامبر صلی الله علیه و آله از فرزندان فاطمه علیها السلام و از نسل حسین علیه السلام است و با قیام جهانی خویش، زمین را پر از عدل و داد خواهد کرد، پیشگویی شده است. مهدویت و اعتقاد به وجود حضرت مهدی (عج) و ظهور او اختصاص به مذهب تشیع ندارد»

بلکه محدثان بزرگ اهل سنت نیز احادیث مربوط به آن حضرت را از طریق گروه بسیاری از صحابه و تابعین در کتاب‌های خویش نقل کرده‌اند.» (طباطبایی نسب، ۱۳۷۷: ۲۲-۲۴)  
فیاض لاهیجی در دو قصیده از قصاید خود، به چند مورد از ویژگی‌ها و اوصاف امام مهدی (عج) به شرح زیر پرداخته است:

- ۱- امام ظاهر و باطن، قائم آل محمد:  
مهدی هادی امام ظاهر و باطن که هست  
قائم آل محمد حجّت پروردگار  
(ق ۲۳، ب ۹۱)
- ۲- حجت بودن آن حضرت:  
حجّتی کز پرده چون برهان عقل آید برون  
پرده‌های وهم را از هم بدرّد بود و تار  
(ق ۲۳، ب ۹۲)
- ۳- به صورت غایب و به معنی حاضر بودن آن حضرت:  
آن به صورت غایب و حاضر به معنی نزد عقل  
آن به ظاهر در نهان اما به باطن آشکار  
(ق ۲۳، ب ۹۳)
- ۴- کینه خواه عدل از ظلم ستمکاران دین:  
کینه خواه عدل از ظلم ستمکاران دین  
انتقام علم کش از جهل اهل روزگار  
(ق ۲۳، ب ۹۴)
- ۵- طالب خون شهیدان:  
طالب خون شهیدان بناحق ریخته  
مرهم دلهای مجروحان از ماتم فگار  
(ق ۲۳، ب ۹۵)
- ۶- امام مشرق و مغرب:  
امام مشرق و مغرب که می‌تواند داد  
تبسم لب لعلش جواب خنده گل  
(ق ۲۴، ب ۲۵)
- ۷- صاحب الزمان:  
محمد بن حسن صاحب الزمان که بود  
پر از مدایح خلقش کتاب خنده گل  
(ق ۲۴، ب ۲۶)
- ۸- معمور و آباد بودن جهان از عدل آن حضرت:  
جهان ز عدل تو معمور آن چنان که کشد  
چمن ز رنگ خزانها گلاب خنده گل  
(ق ۲۴، ب ۵۸)

## نتیجه‌گیری

اهل بیت عصمت و طهارت مظهر تامّ اسماء الهی و آینه تمام‌نمای صفات جمال و جلال حقّ‌اند. آنان پیشوایان بشر به سوی فضایل و ارزش‌های متعالی انسانی و الهی‌اند. این خاندان برگزیدگانی هستند که از هر گونه ناپاکی به دورند و چشمه‌های جوشان معارف الهی و ابرهای رحمت و محبت الهی بر مؤمنین‌اند. این بزرگواران، پناه بی‌پناهان، امید بخش گرفتاران و پرچمداران جبهه توحیداند.

مدح اهل بیت پیامبر اکرم(ص)، همواره زینت بخش دواوین شعرا و کتب فرزنانگان بوده است، و با بررسی قصاید فیاض لاهیجی، متوجه می‌شویم تعداد ابیاتی که شاعر در آن به مدح و ستایش پیامبر اکرم(ص) و ائمه معصومین علیهم السلام پرداخته است، کم نیست و نکته قابل توجه این که شاعر در این ابیات تنها به ستایش محض نپرداخته، بلکه صفات و ویژگی‌های اهل بیت را متذکر شده، علاوه بر بزرگداشت مقام اهل بیت علیهم السلام، با تجلیل از شخصیت آن بزرگان، ارزش‌های والای انسانی را نگاه داشته است.



### فهرست منابع و مآخذ

- ۱ - استعلامی، محمود، (۱۳۷۸)، *سیره معصومان*، قم، انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)، چاپ اول.
- ۲ - بابازاده، علی اکبر، (۱۳۸۰)، *سیمای امام حسین علیه السلام*، قم، انتشارات دانش و ادب، چاپ اول.
- ۳ - پیشوایی، مهدی، (۱۳۸۴)، *سیره پیشوایان*، قم، مؤسسه امام صادق علیه السلام، چاپ هفدهم.
- ۴ - ترابی، احمد، (۱۳۷۳)، *امام سجّاد جمال نیایشگران*، مشهد، انتشارات آستان قدس رضوی، چاپ اول.
- ۵ - ثابتی، فرزین، (۱۳۷۷)، *القاب و صفات مولای متقیان علی بن ابیطالب*، تهران، نشر سبحان، چاپ اول.
- ۶ - سعادت پور، علی، (۱۳۸۸)، *جلوه نور (پرتوی از فضائل معنوی فاطمه زهرا علیها السلام)*، تهران، انتشارات احیاء کتاب، چاپ پنجم.
- ۷ - شریف القرشی، محمدباقر، (۱۳۸۲)، *پژوهشی دقیق در زندگی امام علی بن موسی الرضا (ع)*، ترجمه فارسی از سید محمد صالحی، تهران، دارالکتب الاسلامیه، چاپ اول.
- ۸ - صفای، ذبیح الله، (۱۳۸۹)، *تاریخ ادبیات ایران*، تلخیص دکتر سیدمحمد ترابی، جلد ۴، تهران، انتشارات فردوس، چاپ هفتم.
- ۹ - طباطبائی نسب، سید محمدرضا، (۱۳۷۷)، *سیمای امام مهدی (عج)*، قم، سازمان تبلیغات اسلامی، چاپ اول.
- ۱۰ - عسکری، علی، (۱۳۸۵)، *سیمای رسول اکرم (ص) در آینه شعر فارسی همراه با زندگی نامه آن حضرت*، چاپ اول، ساری، انتشارات شلفین.
- ۱۱ - فیاض لاهیجی، عبدالرزاق، (۱۳۶۹)، *دیوان فیاض لاهیجی*، به اهتمام و تصحیح ابوالحسن پروین پریشانزاده،

سیمای اہل بیت علیہم السلام در دیوان فیاض لایبھی

---

تهران، انتشارات علمی و فرهنگی، چاپ اول.

۱۲- محمدی اشتهاردی، محمد، (۱۳۷۴)، *نگاهی بر زندگی امام هادی (ع)*، تهران، نشر مطهر، چاپ اول.

۱۳- مدرس تبریزی، محمدعلی، (۱۳۶۹)، *ریحانه الادب*، جلد ۳، تهران، کتاب فروشی خیتام، چاپ سوم.

۱۴- هدایت، رضا قلی خان، (بی تا)، *تذکره ریاض العارفین*، مصحح: مهرعلی گرگانی، تهران، کتاب فروشی وصال.